

مناهج البیان، تلاشی برای پایه گذاری مکتب تفسیری حوزه خراسان

سید محمد هادی گرامی^۱

چکیده

این مقاله با استناد به شواهدی نشان می دهد که مکتب معارفی میرزا مهدی اصفهانی دارای مؤلفه های یک مکتب تفسیری مستقلی است. تفسیر مناهج البیان ملکی میانجی شاخص ترین اثر تفسیری مکتب تفکیک است. او تلاش کرده است براساس آموزه های استاد خود مکتب تفسیری حوزه خراسان را پایه گذاری کند.

کلید واژه ها: مکتب تفکیک، حوزه خراسان، مکتب تفسیری، ملکی میانجی، مناهج البیان، میرزا مهدی

۱. مقدمه

مرحوم میرزا مهدی اصفهانی (د ۱۳۶۵ق) با بنیان گذاری مکتبی که آن را غالباً مکتب تفکیک می نامند و برخی از آن با عنوان مکتب معارف اهل البیت علیهم السلام یاد می کنند، روند جدیدی را در دریافت از کتاب و سنت و خوانش آنها بنیان نهاد. البته استاد حکیمی از این مکتب هم ارز با عنوان «مکتب تفکیک» به عنوان «حوزه خراسان» نیز یاد کرده اند (حکیمی، ۶۷) که در نام گذاری این مقاله نیز به کار گرفته شده است. مکتب تفکیک به دستگاه معرفتی اطلاق می شود که معتقد به شناخت های اصیل و خالص دینی است و بر غنا و استقلال تام آئین الهی اسلام در عرضه معارف نظری و عملی تأکید می ورزد و خلط و مزج معارف فلسفی و عرفانی را با آموزه های وحیانی بر نمی تابد.

استاد محمدرضا حکیمی که نخستین بار عنوان مکتب تفکیک را بر نظام شناختی مورد بحث اطلاق کرده‌اند، در تعریف آن چنین آورده‌اند: «مکتب تفکیک، مکتب جداسازی - سه راه و روش معرفت و سه مکتب شناختی است در تاریخ شناخت‌ها و تأملات و تفکرات انسانی؛ یعنی راه و روش قرآن، راه و روش فلسفه و راه و روش عرفان (حکیمی، ۴۶ و ۴۷).

گرچه از دید معتقدان به این مکتب، این نوع نگرش در تاریخ فقها و محدثان امامیه ریشه دار است (نصیری، ۳۸۳-۴۰۶)؛ اما به هر حال از نگاه سایرین، این مکتب رویکرد جدیدی است که اصطلاح نوظهور مکتب تفکیک برای آن مناسب است.

۲. ضرورت بازشناسی مکتب تفسیری حوزه خراسان

مکتب تفکیک یا مکتب معارفی خراسان به دلیل ماهیتش که همان تلاش برای پالایش معارف و حیانی از رهاوردهای بشری و ایجاد دستگام معرفتی درون دینی است، در عرصه تفسیر نیز گام نهاده است؛ چرا که تفسیر در واقع مهم‌ترین ابزاری است که مسلمانان از آن برای دریافت معارف مهم‌ترین منبع و حیانی خود بهره می‌برند.

یکی از مباحثی که درباره مکتب تفکیک مغفول واقع شده است، دیدگاه تفسیری این مکتب و رویکرد آنان به قرآن است به ویژه مباحث گسترده و بدیعی که بسیاری از اصحاب تفکیک در بحث اعجاز قرآن مطرح کرده‌اند.

باید اذعان کرد همان‌طور که مکتب تفکیک در بسیاری از معارف مبدئی و معادی جنبه تأسیسی دارد و معارف جدیدی را در این عرصه ارائه کرده، در بحث تفسیر قرآن و روش تفسیری نیز صاحب مکتب است. مکتبی که نگارنده این مقاله تعبیری مناسب تر از «مکتب تفسیری حوزه خراسان» برای آن نیافته است.

تاکنون هیچ گام عملی جدی برای شناخت و بررسی مؤلفه‌های حوزه تفسیری خراسان برداشته نشده است و کوشش‌های اندکی هم که تلاش کرده‌اند از نگاه یک مکتب تفسیری مستقل به مکتب معارفی میرزا نگاه کنند، بیش‌تر از آن که به معرفی و گزارش ویژگی‌های این مکتب تفسیری بپردازند، آن را به نقد کشیده‌اند (نک: مسعودی، ۳۹). گرچه نوشته شدن همین نقدها نیز دست کم گواه آن است که تعبیر «مکتب

تفسیری حوزه خراسان» نوعی مبالغه نیست و زمینه‌های تمایز واقعی این مکتب تفسیری با سایر مکاتب وجود دارد.

در این میان تفسیر مناهج البیان تألیف آیه الله شیخ محمدباقر ملکی میانجی مهم-ترین اثر تفسیری مکتب معارفی خراسان است که می‌تواند ما را با چارچوب‌های این مکتب تفسیری بیشتر آشنا کند و تحقیقاتی خوبی هم در زمینه معرفی و شناسایی این کتاب به عنوان یک اثر مستقل تفسیری صورت گرفته است که در میان آنها پایان نامه کارشناسی ارشد علی نقی خدایاری و مقاله سید محمد ایازی در خور توجه است. پایان نامه خدایاری با عنوان «نقد و بررسی مبانی و روش تفسیری مناهج البیان» در سال ۱۳۷۹ در دانشگاه قم دفاع شده است. همچنین ایشان مقاله‌ای با عنوان «قرآن شناسی و قرآن شناسان: مروری بر زندگی و روش تفسیری آیت الله ملکی میانجی» در همین زمینه در مجله گلستان قرآن به چاپ رسانده است. ایازی نیز در مقاله مفصلی (بینات، ش ۱۸) با عنوان «نگاهی به تفسیر مناهج البیان و مؤلف گرانقدر آن» به معرفی این اثر تفسیری پرداخته است.

۳. آثار سودمند برای شناسایی مکتب تفسیری حوزه خراسان

شناخت مکتب تفسیری حوزه خراسان و اصطیاد مؤلفه‌های آن در میان دو نوع از آثار به جای مانده از اصحاب تفکیک امکان پذیر است: نخست آثاری که به شکل مستقیم به خود قرآن و یا تفسیر آن مربوط است و در درجه بعد آثاری که در مباحث معارفی و یا سایر علوم دینی نگاشته شده است. نوع استفاده و استناد به آیات قرآن کریم در آثار دسته دوم می‌تواند در رسیدن به مقصود راهگشا باشد.

ما در اینجا تلاش کرده ایم تقریباً همه آثار تفسیری مکتب تفکیک و برخی از مهم-ترین آثار عمومی که می‌تواند بیش‌ترین راهگشایی را در این زمینه داشته باشد ذکر کنیم. البته ذکر این نکته ضروری است که ما در این بخش مقاله معنای خاصی را برای حوزه مکتب تفکیک در نظر گرفته ایم، گرچه بر مبنای تعریفی که استاد حکیمی ارائه کرده است. هر کسی که قائل به ضرورت ایجاد تفکیک میان سه حوزه معرفتی عرفان، فلسفه و قرآن باشد، در عداد تفکیکیان خواهد بود. اما با توجه به این که این تعریف

حوزه گسترده ای از اندیشمندان شیعی را در بر می گیرد، مقصود ما از اصحاب تفکیک در این مقاله آن اندیشمندانی است که علاوه بر این اعتقاد بنیادی، دو ویژگی دیگر هم داشته باشند: نخست آن که از لحاظ زمانی معاصر با هم میرزا مهدی اصفهانی بوده یا بعد از ایشان زیسته باشند؛ دوم آن که نسبت به روش های تفسیری مشهور معاصر دیدگاه انتقادی داشته باشند؛ ولی در عین حال لزومی ندارد که در عداد شاگردان و مدافعان سرسخت میرزا مهدی باشند. بر این مبنا حتی ممکن است افرادی در شمار تفکیکیان محسوب شوند که علی رغم پایبندی به مبانی مذکور از منتقدان دیدگاه های میرزا مهدی اصفهانی در برخی مسائل باشند (برای نمونه نک: شریعتمداری، ۲۰-۲۱).

۱. مناہج البیان فی تفسیر القرآن، تألیف شیخ محمدباقر ملکی میانجی که توضیح آن در ادامه خواهد آمد.

۲. بدایع الکلام فی تفسیر آیات الأحکام، از ملکی میانجی؛ این کتاب شامل مباحث طهارت و صلوات است که مفسر به مناسبت، بحث های موضوعی امامت و شفاعت را نیز در آن گنجانده است. این کتاب نخستین اثر منتشر شده ملکی است که یک بار به سال ۱۴۰۰ق در لبنان و دیگر بار به سال ۱۴۰۲ق در ایران چاپ شده است. متأسفانه چاپ های این کتاب غیرتحقیقی و نیازمند چاپ منقح و تحقیقی است (قهرمانی، ۸۹).

۳. تفسیر فاتحة الكتاب، از ملکی میانجی؛ تفسیری است فقهی-کلامی بر سوره حمد با تنظیم محمد بیابانی اسکویی که از سوی انتشارات دارالقرآن الکریم قم به سال ۱۴۱۳ق چاپ و منتشر شده است (همان، ۹۰).

۴. المنهج الصحيح فی تفسیر القرآن: تحلیل و نقد لنظریة استقلال القرآن و استغناء عن البیان، از مهدی عبدالنبی؛ کتابی است صریح در نقد و بررسی نظریه استقلال قرآن در تفسیر با تأکید بر این که رویکردهای فلسفی-عرفانی در تفسیر قرآن خطاآفرین است. محور نقد آن تفسیر المیزان است. این کتاب توسط مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر در سال ۱۳۸۵ به چاپ رسیده است.

۵. قرآن و قیامت یا تفسیر سوره قیامت، از آیه الله سیدمحمد ضیاء آبادی؛ این کتاب سلسله مباحث و سخنرانی های نویسنده در تفسیر سوره قیامت است که در

بخشی از کتاب دیدگاه مبین بودن قرآن و روش تفسیری قرآن به قرآن را به چالش کشیده است. کتاب در سال ۱۳۷۹ توسط بنیاد بعثت منتشر شده است.

۶. سورة الحمد و تسمى فاتحة الكتاب، از آیه الله شیخ محمدتقی شریعتمداری؛ مؤلف این کتاب که از شاگردان مطهری بوده و از مشی فلسفی استاد خویش کناره گرفته است (نک: شریعتمداری، ۱۳-۱۷) به روش اجتهادی به تفسیر قرآن می پردازد و در خلال بحث خود در موارد متعددی (شریعتمداری، ۱۱، ۲۹، ۳۹، ۴۷، ۵۱) که برخی از آنها بنیادین است به نقد دیدگاه های صاحب تفسیر المیزان می پردازد. این کتاب در سال ۱۳۸۵ توسط انتشارات منیر منتشر شده است.

۷. پیام جاودانه: سخنی چند پیرامون قرآن کریم و آفاق آن، از محمدرضا حکیمی؛ این مجموعه متضمن مباحث و گفتاری است در باب قرآن و کلام الهی که طی آن از معارف قرآن، منطق توحید و مقابله ناروا با فرهنگ قرآن سخن می رود. همچنین به عینی گرا بودن قرآن، گستره تعالیم و مفاهیم گوناگون آن اشاره می شود و برخی مسائل قرآن شناختی نیز در کتاب مطرح می گردد. این کتاب را انتشارات دلیل ما در سال ۱۳۸۲ منتشر کرده است.

۸. قرآن و عترت در اسلام، از شیخ علی نمازی شاهرودی (د ۱۴۰۵ق)؛ این کتاب که توسط انتشارات سعدی تهران منتشر شده است، برای آگاهی از دیدگاه تفکیکان در خصوص جایگاه به هم پیوسته قرآن و عترت در اسلام مفید است.

۹. رسائل اعجاز قرآن، از آیه الله میرزا مهدی اصفهانی؛ در مجموع ۴ رساله در بحث اعجاز قرآن از او به جای مانده است که متأسفانه تاکنون هیچ کدام از آنها به چاپ نرسیده است و نسخه های آن به شکل پراکنده در دست برخی شاگردان و یا احیاناً کتابخانه آستان قدس موجود است. این رسائل می تواند منبع خوبی برای بررسی دیدگاه مؤسس مکتب تفکیک درباره قرآن باشد (درباره این رساله ها و مکان آنها نک: مفید، ۴۳-۶۳).

۱۰. رساله فی اعجاز القرآن از شیخ محمد علی حقی سرابی؛ حاوی مباحث اعجاز قرآن بر مبنای دیدگاه های معارفی است (نک: حجتی نیا).

۱۱. رساله معارف القرآن، از میرزا مهدی اصفهانی؛ این رساله از مهم‌ترین آثار معارفی اوست که در آن مباحث مهمی درباره ماهیت و ذات علم قرآن و کلام الهی مطرح شده است (درباره آن نک: مفید، ۶۳-۶۷).
۱۲. معارف القرآن، از شیخ عبدالله واعظ یزدی؛ این کتاب در مشهد توسط چاپخانه خراسان منتشر شده است (نک: حجتی نیا).
۱۳. حجیت قرآن، تقریرات یکی از شاگردان برجسته میرزای اصفهانی از درس‌های استاد خویش است. این رساله حاوی نکات و دیدگاه‌هایی در بحث اعجاز قرآن است و نسخه عکسی آن به شماره ۱۲۳۹ در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود.
۱۴. نگاهی به علوم قرآنی، از ملکی میانجی؛ هفت فصل این کتاب ترجمه مباحث مقدّماتی تفسیر مناہج البیان است که در ابتدای جزء اول تفسیر آمده است. دو فصل «انزال و تنزیل» و «اعجاز قرآن» از متن تفسیر برگرفته شده و فصل «بدا» نیز از کتاب توحید الامامیه انتخاب و تلخیص شده است. ترجمه مباحث کتاب توسط علی نقی خدایاری انجام گرفته و با همکاری فرزند مؤلف علی ملکی میانجی از سوی نشر خرم قم به سال ۱۳۷۷ چاپ و منتشر شده است.
۱۵. ابواب الهدی، از میرزا مهدی اصفهانی؛ تقریباً مشهورترین اثر مؤسس مکتب معارفی حوزه خراسان است و از لحاظ معارفی در آن بنیادی‌ترین نگرش‌های تفکیکی قابل پیجویی است. در این کتاب به انحاء مختلفی به آیات قرآنی استشهاد شده یا احیاناً آیات تفسیر شده‌اند. این کتاب می‌تواند نشان‌دهنده روش دریافت مؤسس مکتب تفکیک از قرآن باشد. ابواب الهدی در یک مقدمه و ۲۵ باب تنظیم شده است (نک: اصفهانی). این کتاب تاکنون چندبار چاپ شده که بهترین و محققانه‌ترین چاپ آن با مقدمه و تعلیقات سودمند حسین مفید در ۷۳۴ صفحه توسط نشر منیر در سال ۱۳۸۷ منتشر شده است.
۱۶. بیان الفرقان، از شیخ مجتبی قزوینی؛ این کتاب حاوی بسیاری از مباحث بنیادین مکتب تفکیک است و در آن به طور گسترده از آیات قرآنی بهره گرفته شده است و در ۵ جزء با عنوان‌های توحید القرآن، نبوة القرآن، معاد القرآن، میزان القرآن و

غیبت و رجعت به رشته تحریر درآمده است. این ۵ جلد در سال ۱۳۸۷ در یک مجلد ضخیم با مقدمه استاد حکیمی توسط انتشارات حدیث امروز منتشر شده است.

۱۷. تنبیهات حول المبدأ و المعاد، از شیخ حسنعلی مروارید(۱۴۲۵ق)؛ در این کتاب نیز بسیاری از معارف مبدئی و معادی مکتب تفکیک مطرح شده است. نوع استشهاد به آیات قرآن و دریافت مفاهیم قرآنی در این کتاب قابل بررسی است. این کتاب توسط بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی در سال ۱۴۱۶ق منتشر شده است.

۱۸. میزان المطالب، از میرزا جواد آقا تهرانی(۱۳۶۸ش)؛ این کتاب در ۲ مجلد است و شامل بسیاری از مباحث اعتقادی براساس قرآن و حدیث و نقد آراء دیگران است. مؤسسه در راه حق قم در سال ۱۳۷۴ این کتاب را منتشر کرده است. البته تفکیکیان مقاله هایی نیز در زمینه تفسیر قرآن به ویژه نقد روش تفسیر قرآن به قرآن به رشته تحریر درآورده اند که ذکر آنها از حوصله این مقاله خارج است.

۴. تلاش مؤلف مناهج البیان برای پایه‌گذاری مکتب تفسیری حوزه خراسان

اثر تفسیری آیه الله شیخ محمد باقر ملکی میانجی را فی الواقع باید سامان یافته ترین و مهم ترین تلاش تفکیکیان برای پایه گذاری یک مکتب تفسیری دانست که نگارنده از آن به مکتب تفسیری حوزه خراسان تعبیر کرد.

مؤلف تفسیر مزبور با الهام از نوع نگاه مکتب معارفی خراسان به مسائل دینی و همچنین بهره گیری از محتوای مطالب مطرح شده در این مکتب برای خلق رویکرد تفسیری که در نوع خود کم نظیر باشد، تلاش کرده است. مناهج البیان با استفاده از نگرش انتقادی به مهم ترین تفاسیر معاصر خود و ارائه راه حل های معارفی برای مشکلات کلامی برای تثبیت جایگاه خود تلاش نتیجه بخش می کند.

تفسیر مناهج البیان با مؤلفه های خاصی که دارد می تواند گواه آن باشد که حوزه خراسان در زمینه تفسیر قرآن نیز صاحب مکتب است و یا این که دست کم می توان این تفسیر را تلاشی در جهت پایه گذاری مکتب تفسیری حوزه خراسان ارزیابی کرد.

۴. ۱. معرفی اجمالی ملکی میانجی و تفسیر وی

فقیه و مفسر قرآن و دانش آموختهٔ مکتب معارف اهل‌بیت(ع) آیه الله محمد باقر ملکی میانجی فرزند حاج عبدالعظیم حوالی سال ۱۳۲۴ق در قصبه ترک از توابع شهرستان میانه در استان آذربایجان شرقی دیده به جهان گشود. ادبیات فارسی و مقدمات دروس حوزوی اعم از ادبیات عرب و منطق را در زادگاهش آموخت و در همانجا از محضر عالم بزرگوار آیه الله سیدواسع ترکی (د ۱۳۵۳ق) از اکابر شاگردان آخوند خراسانی (د ۱۳۲۹ق) نیز بهره برد.

ایشان به خاطر شوق به علم‌آموزی و تفقه در دین، دیار خود را به مقصد مشهد ترک گفت و در آنجا سطوح عالی فقهی - اصولی را در محضر اساتید به نام آن دوره حوزه مشهد همچون میرزا محمد آقازاده خراسانی (د ۱۳۵۶ق) و شیخ هاشم قزوینی (د ۱۳۸۰ق) گذارند و برای آشنایی با دروس فلسفه انتقادی و مباحث اعتقادی از محضر شیخ مجتبی قزوینی (د ۱۳۸۶ق) بهره برد. سرانجام بخشی از مباحث فقه و یک دوره اصول و دوره کامل علوم و معارف اعتقادی را در محضر آیه الله میرزا مهدی اصفهانی (د ۱۳۶۵ق) به پایان برد و در سال ۱۳۶۱ق از سوی ایشان مفتخر به دریافت اجازه روایت، اجتهاد و افتاء شد.

ملکی پس از ۱۳ سال تحصیل و تحقیق و تفقه در دین با کوله باری از دانش و معرفت دینی، جوار امام رضا(ع) و حوزه علمیه مشهد را ترک کرد و به زادگاه خود، ترک بازگشت و در آنجا سکنی گزید.

ملکی پس از ۱۶ سال اقامت در زادگاه به علت برخی فشارها و تهدید مجبور به مهاجرت به قم شد و در آنجا مورد تکریم مرجع عالیقدر شیعه آیه الله العظمی بروجردی قرار گرفت و پس از آن تنها در تعطیلات تابستان و مناسبت های مذهبی به طور مرتب به زادگاه خود مسافرت کرد و به نشر و تبلیغ احکام و معارف دینی و اجرای برنامه‌های فرهنگی - اجتماعی و امدادسانی پرداخت.

اقامت در قم مهم‌ترین بخش از حیات علمی ایشان است؛ چرا که ملکی در آنجا به تحقیق و تألیف و القاء دروس خارج فقه و اصول و مباحث تفسیر و کلام و معارف اهل‌بیت(ع) مبادرت ورزید و شاگردان فاضلی تربیت کرد (ملکی میانجی، ۵-۸).

سرانجام میانجی پس از ۹۵ سال عمر بابرکت در شب جمعه پانزدهم خرداد سال ۱۳۷۷ش برابر با دهم صفر ۱۴۱۹ق دعوت حق را لیبیک گفت و در قبرستان شیخان قم به خاک سپرده شد (قهرمانی، ۹۱).

تفسیر مناهج البیان حاصل تدریس مؤلف آن است که از او ان ورود به شهر مقدس قم در سال ۱۳۷۸ قمری آغاز گردیده است. نخستین جلد این مباحث با عنوان تفسیر سورة فاتحة الكتاب در سال ۱۴۱۳ ق به چاپ رسیده است و در مجموع ۶ جزء از قرآن (۴ جزء از ابتدای قرآن و ۲ جزء از آخر قرآن) را در بر می گیرد که در ۶ مجلد توسط انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شده است. مؤلف در مقدمه جلد اول پس از اشاره به روش تفسیری خود مباحث گسترده و متنوعی را در علوم قرآنی مطرح می کند. ترتیب مباحث در این تفسیر بدین شکل است که در هر قسمت مجموعه ای از آیات را بیان می کند. سپس از نظر بیان آیه و واژه شناسی به شکل کلمه کلمه رسیدگی می کند و سپس جملات را توضیح می دهد و در ادامه از احادیث و دیدگاه مفسران شیعه و سنی نیز بهره می برد و دیدگاه های آنان را نقد می کند. ایشان در ابتدای هر سوره کلیاتی درباره آن ارائه می کند. ملکی از منابع تفسیری بسیاری همچون مجمع البیان طبرسی، مفاتیح الغیب فخر رازی، کشاف زمخشری، تبیان شیخ طوسی، المنار رشید رضا و المیزان علامه طباطبایی بهره برده است (برای آشنایی کلی با این تفسیر نک: ایازی، ۴۰-۴۲).

۴.۲. روش اجتهادی مبنای مکتب تفسیری ملکی

منهج یا روش تفسیری راه و روشی است که مفسر برای بیان مراد خدای تعالی در قرآن مجید بر می گزیند که از یک سو بر یک سلسله مبانی و پیش فرض های اولیه مورد پذیرش استوار است و از سوی دیگر از منابع و عناصری خاص بهره می گیرد. به اعتقاد ملکی بهترین نوع تفسیر، تفسیر اجتهادی است که بر پایه عقل، کتاب و سنت صورت گیرد (همو، مناهج، ۱۵/۱).

از نظر نویسنده مناهج البیان تفسیر نیز عبارت است از بیان مراد خدا و پرده برداری از آن با اعمال روش های علمی و اصولی و بهره گیری از قرائن متصل و منفصل در

آیات و روایات معصومین و با استفاده از ادله عقلی و به طور کلی ادله اربعه (ملکی میانجی، ۸۸).

مؤلف در تفسیر خود با شیوه فقه الحدیثی به بررسی و گردآوری روایات پرداخته است و در نهایت بین آنها به طریق اصولی جمع کرده است (برای نمونه نک: همو، مناهج، ۲۲۵/۲-۲۲۶ و ۲۴۷/۳۰-۲۴۸).

روش تفسیر اجتهادی در حقیقت همان روش اجتهاد اصولی است که فقهای شیعه در طول سده‌های گذشته با به کارگیری این روش به فهم و استنباط احکام اسلامی پرداخته‌اند.

در روش تفسیر اجتهادی به دلیل آن که هر یک از منابع و عناصر تفسیر در جایگاه واقعی خود قرار می‌گیرد و از تمامی آنها به صورت هماهنگ و متوازن استفاده می‌شود، محصول تفسیری نیز واجد حجیت لازم است و قابل انتساب به کتاب خداست.

شاید با رواج شیوه تفسیر اجتهادی در مفسرین عصر حاضر تأکید بر تفسیر اجتهادی به عنوان مبنای مکتب تفسیری حوزه خراسان بی‌مورد به نظر برسد؛ اما از آن جهت که تلاش می‌شود باورمندان به مکتب تفکیک به عنوان اخباریان عصر حاضر و یا دست‌کم نزدیک به اخباریان معرفی شوند (موسوی، ۶؛ دینانی، ۲۹۳)، این توضیحات مفید خواهد بود؛ چرا که روش تفسیری اخباریان غالباً روش نقلی است و ممکن است تصور شود که روش تفسیری مکتب معارفی حوزه خراسان نیز نقلی است.

علی‌رغم توجه ویژه شاگردان مکتب میرزای اصفهانی به اخبار و روایات، روش تفسیری آنها اجتهادی است. این در حالی است که اصولاً ادعای اخباری بودن درباره هیچ‌کدام از تفکیکیان قابل اثبات نیست و حتی منتقدان تفکیکیان نیز به آن اذعان کرده‌اند (دینانی، ۲۹۳)؛ چرا که شواهد بسیاری همچون تألیف کتب متعدد اصولی توسط تفکیکیان یا دریافت اجازه اجتهاد حاکی خلاف آن است. حتی در احوالات مؤلف تفسیر مناهج البیان نقل شده است که ایشان به شدت به رویارویی با یکی از علمای اخباری شهرستان اردبیل برخاسته بود (ملکی، ۷۰). نقد صریح اخباریان به علت نفی

حجیت عقل توسط مؤلف کتاب تنبیهات حول المبدأ و المعاد، از شواهد دیگری است که امکان انتساب تفکیکیان به اخباریان را دشوار می سازد (مروارید، ۱۳).

۴. ۳. آموزه های مکتب خراسان مؤثرترین ابزار در استخراج رهیافت های تفسیری پژوهش گرانی که در زمینه تفسیر مناهج البیان و روش تفسیری آن مطالعه کرده اند، اذعان دارند که آموزه های مکتب معارفی مشهد بیشترین تأثیر را در رویکرد و روش استخراج ملکی گذاشته است.

یکی از مبانی معارفی نسبتاً با اهمیت ملکی قول به اشتراک لفظی در اسماء و صفات باری تعالی است (برای مطالعه درباره آن نک: ملکی میانجی، ۶۴؛ شریعتمداری، ۷). خلاصه نظریه و ادله ایشان به تقریب آن است که تمامی الفاظ و تعبیری که برای بیان اوصاف خدا و انسان به طور مشترک به کار می رود، گویای دو حقیقت کاملاً متباین است که هیچ گونه جامع مشترکی میان معنای مورد نظر در دو اطلاق وجود ندارد. برای مثال واژه عالم در دو گزاره «خدا عالم است» و «انسان عالم است» بیانگر دو معنا و حقیقت متفاوت است که تنها در لفظ عالم اشتراک دارند. از نظر ایشان در تمامی اسماء و صفات باری تعالی این قاعده حاکم است. در برابر اشتراک لفظی، نظریه اشتراک معنوی مطرح است. به این معنا که وصف عالم در دو گزاره یاد شده حاکی از دو حقیقت متباین نیست و خالق و مخلوق در اصل حقیقت علم مشترک اند، هر چند میان علم باری و علم انسان از لحاظ شدت و ضعف، سعه و ضیق و جز آنها تفاوت وجود دارد. تأثیر اعتقاد به اشتراک لفظی اسماء و صفات باری را در جای جای تفسیر مناهج البیان می توان دید (برای مطالعه درباره این بحث و تأثیر آن در تفسیر نک: احتشامی نیا، ۱۴۶؛ بیابانی).

یکی از مبانی مهمی که می تواند در استنتاجات یک اندیشمند اسلامی در همه حوزه ها، از جمله تفسیر مؤثر باشد، در زمینه شیوه حل تعارض دلیل نقلی با دلیل عقلی است. ملکی ابتدا عقل را بر مبنای آموزه های معارف به دو گونه عقل فطری و عقل اصطلاحی تقسیم می کنند؛ سپس تعارض دلیل نقلی را با عقل فطری ناممکن می خواند؛ چرا که منشأ هر دو یکسان است؛ اما تعارض میان دلیل نقلی و عقل اصطلاحی

را در سه حوزه احکام مولوی، معارف الهی و مسائل غیبی (غیوب) امکان پذیر می‌داند و بحث تفصیلی را در این سه حوزه براساس مبانی معارفی مطرح می‌کنند که از حوصله این مقاله خارج است (برای مطالعه نک: ملکی میانجی، ۳۹-۴۱).

یکی از مهم‌ترین اصول تفکیکیان که می‌توان آن را در جای جای تفسیر مناہج البیان نیز دید، ضرورت اذعان به جهل و ناتوانی در مواردی است که حقیقت‌جو خود را در برابر دریافت حقیقت ناتوان می‌بیند (برای نمونه نک: مناہج، ۱۷۹/۳ و ۳۱/۲۹ و ۸۱ و ۱۰۵/۳۰).

صاحب تفسیر مناہج البیان در موضوعات مهم اعتقادی و کلامی مانند خداشناسی، اسماء و صفات، معاد جسمانی، تجسم اعمال، ثبوت عوالم پیشین، حقیقت و ماهیت انسان، لقاءالله و جز آنها جهت‌گیری‌های تفکیکی دارند و تأثیر آموزه‌های مکتب معارف خراسان در این حوزه‌ها هویدا است.

۴.۴. تلاش برای تهذیب علوم قرآنی براساس آموزه‌های مکتب خراسان

میانجی با ارائه آراء نسبتاً بدیعی در مباحثی همچون محکم و متشابه، اعجاز قرآن، نسخ، تأویل و جز آنها تلاش کرده است، مباحث علوم قرآنی متعارف را براساس آموزه‌های مکتب معارف خراسان تهذیب کنند.

یکی از نظرهای شاخص ایشان در بحث محکم و متشابه است. به اعتقاد ملکی ارجاع متشابه به محکم به معنای تبیین و رفع تشابه به وسیله محکومات نیست؛ بلکه آیات محکم تنها ظهور اولیه متشابه را رفع می‌کنند و هیچ‌گونه بیانی در خصوص معنا و مراد آیات متشابه به دست نمی‌دهند. به گفته ملکی احکام و تشابه از صفات و ویژگی‌های الفاظ و دلالات است؛ نه از صفات معانی و مدلول‌ها. تقسیم آیات به محکم و متشابه از یک سو برای تقسیم آیات قرآن است و از سوی دیگر برای تقسیم مردم به دو گروه راسخان و منحرفان است. تفسیر مناہج البیان با طرح مباحث المیزان درباره معنای تشابه و درباره ام‌الکتاب بودن محکومات به آنها اشکال وارد می‌کند. به اعتقاد ملکی دستیابی به معنای متشابهات تنها از طریق تأویلی است که در روایات ارائه

شده است؛ چرا که دانش تأویل قرآن تنها در اختیار راسخان در علم قرآن است که چهارده معصوم اند (سلیم گندمی، ۱۳۱-۱۳۳؛ ملکی، مناهج، ۱۹/۱-۲۸).

مؤلف در ذیل معنای تفسیر به رأی با ارجاع به همان بحث کلیدی خود یعنی خطاب عام و خطاب خاص تأکید می کند که تفسیر منهی عنه در روایات مربوط به استنباط علوم و معارف در حوزه خطاب خاص است؛ نه حوزه خطاب عام. به اعتقاد ملکی آیات و روایاتی که به بحث تدبر در قرآن تشویق می کنند، ناظر به خطاب عام قرآن است (سلیم گندمی، ۱۳۶).

میانجی تأویل قرآن را از شئون اختصاصی ائمه معصومین (ع) می داند و سایرین را در علم تأویل قرآن عاجز می شمارد. ایشان بی باکانه در تفسیر خود نمونه هایی از تأویل های نادرست شخصیت هایی همچون ملاعبدالرزاق کاشانی، ابن عربی، ملاصدرا، میرداماد و حاج ملاهادی سبزواری را به نقد کشیده است (همو، ۱۳۹).

وی در بحث نسخ آیات با به چالش کشیدن نظر فلاسفه پیوند دادن نسخ به مشیت ازلی الهی را نادرست می داند. براساس دیدگاه فلاسفه نسخ عبارت است از ابراز و اظهار زوال آیه منسوخ و نسخ در واقع اعلام چیزی است که از ازل طبق مشیت الهی ثابت بوده است. صاحب مناهج البیان تأکید می کند که اگر نسخ این گونه تفسیر شود، دیگر معنای خود را از دست خواهد داد و در این تفسیر از نسخ مفهوم تغییر، یعنی از میان برداشتن چیزی و ایجاد چیز جدیدی مصداق پیدا نمی کند (همو، ۱۴۰).

یکی از مسائلی که در مکتب معارفی حوزه خراسان بسیار مورد توجه است، نوع نگاه آنان به مسئله اعجاز و تحدی قرآن است. فعالیت گسترده قلمی صاحبان این مکتب در زمینه اعجاز که برخی نمونه های آن پیش تر ذکر شد، گواه همین مطلب است. ملکی نیز علاوه بر طرح این مبحث در مقدمه تفسیر، آن را در تفسیر آیه ۲۳ سوره بقره به شکل تفصیلی مطرح کرده است.

آنچه که ملکی در مبحث اعجاز بر آن تأکید می ورزند این است که «قرآن از آن جهت که علم و نور است، حجت بالذات است». به تعبیر دیگر معجزه پیامبر خاتم بر خلاف انبیای گذشته عین رسالت و وحی ایشان است و در واقع رسالت و وحی پیامبر

حجیت خود را از ذات خود دریافت می‌کند؛ نه از چیز دیگری (همو، مناہج، ۱/۱۸۴-۱۸۵).

نکات قابل توجه دیدگاه ایشان دربارهٔ اعجاز قرآن از این قرار است:

۱. اعجاز دو ویژگی اصلی دارد: نخست خارق العاده بودن و دوم تباین ذاتی داشتن با افعال بشر.
۲. اعجاز فعل خداوند سبحان است که علاوه بر این که تباین ذاتی با افعال بشری دارد، مستقیم و خارج از قوانین و سنن طبیعی به وسیله خداوند محقق می‌شود.
۳. از آن جهت که تحدی قرآن عام و شامل همه جن و انس است - نه فقط فصحا و بلغای عرب - باید وجه تحدی قرآن نیز کلی باشد تا همهٔ افراد طعم عجز و ناتوانی خود را بچشند؛ نه گروه خاص فصحا و بلغای عرب. اعجاز پیامبر گرامی اسلام باید از سنخ اهدافی باشد که ایشان برای آن مبعوث شده اند (سلیم گندمی، ۱۴۳-۱۴۴).

۴. ۵. کلام معارفی، مهم‌ترین پشتوانهٔ مکتب تفسیری حوزه خراسان

گرایش کلامی در تفسیر مناہج الیابان تا بدان حد قوی است که برخی از محققان این تفسیر را یکی از شاخص‌ترین تفاسیر کلامی عصر حاضر شیعه دانسته اند (معارف، ۱۰۲).

گرچه شاید نتوان این تفسیر را یک تفسیر کلامی صرف دانست، اما رویکرد این تفسیر را باید در مجموع فقهی-کلامی خواند؛ چرا که میانجی علاوه بر موضوعات اعتقادی در مباحثی فقهی همچون حج، اموال یتیم، حکم مسجد، طلاق، ارث و کم فروشی نظرهای بزرگانی چون فاضل مقداد سیوری، قاضی بیضاوی و محقق اردبیلی را نقد کرده اند (قربانی زرین، ۱۰۰).

نگارندهٔ مقاله از شیوهٔ کلامی ملکی در این تفسیر با عنوان کلام معارفی یاد می‌کند. آنچه که از آن به عنوان کلام معارفی یاد شد، تلاشی است در جهت تکمیل و تهذیب کلام سنتی شیعه. این کلام بر خلاف کلام محقق طوسی که جلوهٔ اصیل آن در تجرید الاعتقاد و شروح متعدد آن قابل دستیابی است، بیش‌تر از آن که به دفاع از حریم اعتقادی شیعه در برابر بیگانگان پردازد، برای تهذیب و تکمیل عناصر داخلی این حریم

تلاش می کند. البته اگر کلام شیعی را در یک تقسیم بندی کلی به دو حوزه مباحث مبدأ و معاد و حوزه مباحث امامت تقسیم کنیم، کلام معارفی در زمینه مباحث امامت تفاوت چندانی با کلام سنتی شیعه ندارد؛ اما در زمینه مباحث مبدأ و معاد حرف های جدیدی دارد.

۵. ۴. ۱. کلام معارفی در حوزه مبدأ و معاد

شاید یکی از مهم ترین مسائل مورد اهتمام مفسر ما در عرصه مسائل اعتقادی و کلامی، عرضه و دفاع از مبانی و مسلمات دینی در برابر آراء و اندیشه های مزجی و تأویلی است که ناگزیر ایشان را به میدان نقد و انتقاد از آراء فلسفی و عرفانی به ویژه حکمت متعالیه سوق داده است.

ملکی در کتاب توحید الإمامیه می گوید: «من نمی گویم که فراگیری علوم انبیاء متوقف و منوط به فراگیری علوم و راه و روش هایی است که غیر آنها ارائه کرده اند؛ چرا که این سخنی گزاف است. علوم انبیاء رفیع تر، آشکارتر و بالاتر از آن است که بخواهد از غیر خود همچون علوم بشری قدیم و جدید و بحث های نظری و کشفی استمداد بجوید» (ملکی میانجی، ۱۳).

ملکی در جای جای تفسیر خویش به نقد فلاسفه و شیوه برداشت آنان از قرآن انتقاد وارد می کند. مهم ترین مسائل مورد انتقاد در این تفسیر مباحث صفات ذات الهی، معاد جسمانی و خصوصیات عالم آخرت است (ایازی، ۵۳).

ملکی در تفسیر آیه «جَنَّةٌ وَ حَرِیراً» (الانسان، ۱۲) این مبنای فلاسفه را که نظام پاداش و جزای انسان به طور مطلق براساس تجسم اعمال است، به نقد می کشد و تأکید می کند که بهشت و جهنم به طور مجزا موجود هستند و نظام تجسم اعمال حداکثر در برخی موارد است (همو، مناهج، ۲۹/۳۲۱-۳۲۲).

ایشان در تفسیر آیه «وَ إِذَا رَأَیْتَ تَمَّ رَأَیْتَ نَعِیْماً» (الانسان، ۲۰) تأکید می کند، این آیه نمونه ای از صدها آیه قرآن کریم است که نعمت ها و عذاب های اخروی را حقایق مادی لطیف می شمارد و براساس این آیات نمی توان قائل شد که حقایق اخروی مجرد از ماده و زائیده اعمال و رفتار انسان است (همو، مناهج، ۳۲۷-۳۲۸). این نوع

نقدها به طور گسترده‌ای در تفسیر مناہج البیان به چشم می‌خورد (نک: همان، ۲۵/۳۰ و ۱۲۶ و ۱۳۵ و ۱۳۷ و ۳۴۷).

میانجی در مباحثی همچون حکمت بعثت انبیاء (همان، ۱۴۱/۴-۱۵۳)، تنزیه خداوند (همان، ۱۳۹/۲۹-۱۴۰)، کیفیت نظام خیر و شر (همان، ۱۹۰/۲؛ ۱۸۶/۳-۱۸۹)، مشیت انسان و مشیت پروردگار (همان، ۳۴۴/۲۹) و خلود در قیامت (همان، ۲۳۶/۳۰-۲۳۸) با دید انتقادی نسبت به مباحث فلاسفه تلاش کرده است، مبانی مکتب معارفی خراسان را در این بخش‌ها تبیین کنند.

۵. ۴. ۲. به کارگیری کلام سنتی شیعی برای دفاع از حریم اعتقادات امامت

بخش قابل توجهی از تلاش‌های مفسر در جهت تبیین و دفاع از اصول و مبانی پذیرفته شده مکتب تشیع در زمینه اعتقادات امامتی شیعه است. مفسر با حساسیتی ویژه و از موضع متکلمی زبردست، به این موضوع پرداخته و ضمن تأکید بر مواضع فقها و متکلمان شیعی، آراء و دیدگاه‌های مخالفان را به نقد کشیده است.

یکی از بحث‌های گسترده تفسیر مناہج البیان گفتگو در خصوص امامت عامه ذیل آیه ۱۲۴ سوره بقره است: «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ اِبْرٰهٖمَ رَبُّهُ بِكَلِمٰتٍ فَاَتَمَّهِنَّ قَالَ اِنِّیْ جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمٰمًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّیَّتِیْ قَالَ لَا یَنٰلُ عَهْدِی الظّٰلِمِیْنَ».

ملکی مراد از کلمات را مانند سایر مفسران شیعه آزمایش‌هایی می‌داند که در مسیر زندگی حضرت ابراهیم(ع) رخ داده است (همو، مناہج، ۳۳۳/۱-۳۳۴). او پس از طرح مباحث و مسائل مختلف، دیدگاه تفسیر المنار و تفسیر مفاتیح الغیب فخر رازی را در این زمینه به نقد می‌کشد.

میانجی در مواضع متعددی از تفسیر خود بر این نکته تأکید کرده است که علم قرآن در اختیار پیامبر و اهل بیت(ع) است. صاحب تفسیر در ذیل آیه «وَ اَخْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّٰهِ جَمِیْعًا» (آل عمران، ۱۰۳) ائمه معصومین را بالاترین تجلی اعتصام بالله می‌داند (همو، مناہج، ۲۵/۴-۲۷). وی در ذیل آیه «تُمْ اِنَّ عَلَیْنَا بَیٰٰنَهُ» (القیامة، ۱۹) نیز می‌گوید که عمر کوتاه رسول خدا به حضرتش اجازه نداد تا پرده از همه اسرار و رموز قرآن

بردارد؛ ولی علوم قرآن بیان شده است و جانشینان حضرت آن را بیان خواهند کرد (معارف، ۱۱۳).

مؤلف مناهج البیان در تفسیر آیه «فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ» (البقرة، ۳۷) تأکید می کند، در معنای کلمات اقوال مختلفی ذکر شده است؛ ولی آنچه که بر اساس روایات بهترین تفسیر به نظر می رسد، آن است که کلمات را ۵ تن آل عبا بدانیم (همان، ۲۱۲/۱).

یکی از مباحث دیگری که به شکل قابل توجهی در تفسیر مناهج البیان به آن پرداخته و از آن دفاع شده است، شفاعت است. ایشان بر این باور است که علاوه بر این که نصوص دینی حاکی از جواز شفاعت برای گنهکاران اهل توحید است، این شفاعت محدودیت خاصی ندارد و شامل دنیا، برزخ و آخرت می شود (نک: غروی نائینی، ۱۱۷-۱۲۴).

در این تفسیر بسیاری از دیگر مباحث امامت همچون علم غیب (ملکی، مناهج، ۱۸۷/۴-۱۹۱؛ ۱۲۱/۲۹-۱۲۳)، تولی و تبری (همان، ۱۹۷/۳؛ ۱۳۹/۴ و ۲۰۰)، ارتداد امت بعد از پیامبر (همان، ۹۳/۴-۹۷) و عصمت (همان، ۳۳۸/۱-۳۶۰) نیز مطرح شده است.

۴. ۶. نقدهای ملکی بر مشهورترین گرایش های تفسیری معاصر

نقد و نقادی جایگاه ویژه ای در تفسیر مناهج البیان دارد. مفسر در نقدهای خود از اندیشمندان و بزرگان همچون ملاصدرا همواره با ادب و احترام یاد می کنند و رعایت اخلاق و سجایای اسلامی را بر هر چیز دیگری مقدم می دانند (نک: ایازی، ۳۹).

ملکی میانجی علاقه ویژه ای به نقد و بررسی دو رویکرد تفسیری پرتطرفدار معاصر یعنی گرایش تجدید نظر طلبی در تفسیر قرآن و روش تفسیر قرآن به قرآن نشان می دهد. نماینده این دوگرایش در تفسیر مناهج البیان، تفسیر المنار محمد رشید رضا و میزان علامه طباطبایی است.

حرکت میانجی دست کم از دید ناظران خارجی می تواند گامی در جهت ایجاد مکتب تفسیری جدید تلقی شود. مهم ترین خصوصیتی که می تواند پایه گذاری مکتب تفسیری جدید به شمار رود، نقد رویکردهای مختلف تفسیری به ویژه تفسیر قرآن به

قرآن است. در واقع تفکیکیان، در معنای عام آن، تنها گروهی هستند که بی پروا در زمینه نقد روش تفسیری قرآن به قرآن گام نهاده اند. این در حالی است که آنان علی-رغم توجه ویژه به اخبار، روش تفسیری نقلی برخی اخباریان مکتب استرآبادی را دنبال نکرده اند؛ بلکه بر مبنای تفسیر اجتهادی حرکت کرده اند. تفاسیر اجتهادی متعددی در عصر کنونی نوشته شده است؛ اما تلقی این تفاسیر به عنوان تلاشی برای پایه گذاری مکتب تفسیری جدید بسیار دشوار است. تفاسیر اجتهادی معاصر تا زمانی که به نقد گسترده مکاتب تفسیری مختلف به ویژه معاصران خود روی نیاورند، ناگزیر در عداد همان تفاسیر اجتهادی سنتی طبقه بندی خواهد شد.

۴.۶.۱. نقد رویکرد تجدیدنظر طلبی درباره تفسیر قرآن

باید شیخ محمد عبده (د۱۳۲۳ق) و شاگردان وی را نخستین کسان در روزگار معاصر دانست که برای تجدیدنظر طلبی در حوزه قرآن و حدیث هم‌زمان گام برداشتند (نک: پاکتچی، ۷۳۵؛ مهدوی راد، ۷۶۷). یکی از منابع اصلی که می تواند دیدگاه تجدیدنظر طلبان را در خصوص تفسیر قرآن و حتی حدیث منعکس کند، تفسیر المنار است. تفسیر المنار که حاصل تدوین و گردآوری درس های شیخ محمد عبده توسط شاگرد وی محمد رشید رضا (د۱۳۵۴ق) است، به علت در برداشتن دیدگاه های شیخ محمد عبده و سامان یافتگی مباحث آن یکی از پرنفوذترین تفاسیر اهل سنت طی ۱۰۰ سال اخیر بوده است (پاکتچی، ۷۳۶). رشید رضا گرچه برخلاف شماری از دگراندیشان مسلمان و خاورشناسان حجیت سنت را پذیرفت؛ اما به شدت منتقد آن بود و در نهایت حجیت سنت قولی - و نه فعلی - پیامبر (ص) را برای زمان کنونی زیر سؤال برد (مهدوی راد، ۷۶۸).

المنار تفسیری است نسبتاً علمی بدین معنا که نویسنده گاه در تفسیر آیات می‌کوشد، تفسیری از آیه به دست دهد که مدلول آن با آراء و افکار علمی روز سازگار درآید. بدین سبب در مواردی ناگزیر به تأویل و توجیه ظهور اولیه آیات مبادرت می‌ورزد. این خصوصیت با مبنای ملکی که به هیچ روی از دلالت لفظی آیات چشم

پوشی نمی‌کند و نظریه‌ها و فرضیه‌های علمی را در تفسیر قرآن دخالت نمی‌دهد، سازگار نیست.

به علاوه نویسنده المنار از موضع یک عالم سنی به تبیین دیدگاه های کلامی و فقهی خود می‌پردازد و در موضوعاتی مانند امامت، شفاعت، مباحله و جز آنها آراء و مواضع اهل سنت را از قرآن استنباط می‌کند. در این قبیل موارد نیز ملکی از جایگاه متکلم و فقیه شیعی به دفاع از آراء و عقاید شیعی پرداخته و با استناد به آیات و روایات معصومان(ع) به نقد و بررسی برداشت ها و استنباط های طرف مخالف مبادرت ورزیده است. چند نمونه از نقدهای ملکی بر المنار از این قرار است:

در بحث شفاعت رشید رضا با اقتدا به استاد خود شیخ محمد عبده بر این باور است که آیات مثبت شفاعت در قرآن از تشابهات است (رضا، ۳۰۷/۱)؛ اما ملکی تأکید می‌کند که آیات به ظاهر نافی شفاعت در قرآن همانند «قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا» (الزمر، ۴۴)؛ «لَا يَبِيعُ فِيهِ وَ لَا خُلَّةٌ وَ لَا شَفَاعَةٌ» (البقره، ۲۵۴) و «لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَ لَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ» (الانعام، ۵۱) در صدد اثبات توحید و اختصاص مالکیت مطلق برای خداوند است؛ نه نفی شفاعت به طور کلی (همو، مناهج، ۲۲۵/۱).

در بحث امامت نویسنده المنار ذیل آیه « وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا » (البقره، ۱۲۴) تأکید می‌کند که جمله « قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا » استینافیه است و امامت در اینجا عبارت است از همان نبوت و رسالت که اکتسابی نیست (رضا، ۴۵۵/۱).

از نظر مؤلف مناهج البیان جمله « إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا » متفرع و مترتب بر اتمام کلمات و وفاداری حضرت ابراهیم(ع) به آن امتحانات است؛ بنابراین عبارت یاد شده مستأنفه و جدا نیست و همچنین آیه نشان می‌دهد که ابتلاء به کلمات، همزمان با نبوت و رسالت بوده است (همو، مناهج، ۳۳۸/۱-۳۳۹).

در خصوص موسم حج نیز نویسنده المنار در تفسیر عبارت «الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ» (البقره، ۱۹۷) می‌نویسد: «مراد از معلومات همان ماه های حج است که قبل از اسلام برای عرب شناخته شده بود» (رضا، ۲۲۶/۲). نویسنده مناهج البیان در نقد این سخن می‌گوید که در اینجا نیاز به بیان شرع هست؛ زیرا حج و موسم آن از مجعولات شرعی

است و بیان آن تقریراً و امضاءً بر عهده شارع است و مستفیض از اخبار ما آن است که موسم حج ماه‌های شوال، ذی‌القعدة و ذی‌الحجه است (همو، مناہج، ۱۵۷/۲).

در خصوص آیات دال بر زنده شدن مردگان و جواز رجعت همچون آیه «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ» (البقره، ۲۴۳) نویسنده المنار بر این باور است که مراد اصلی خدا از این آیه بیان سنت الهی درباره امت‌هایی است که ترسو هستند و در برابر متجاوزان از خود دفاع نمی‌کنند؛ بنابراین معنای مرگ قوم مزبور آن است که دشمن بر ایشان چیره شد و نیرویشان را از بین برد و استقلالشان را نابود کرد و معنای حیات قوم مزبور بازگشت استقلالشان به ایشان است (رضا، ۴۵۷/۲)؛ اما میانجی با نقد این دیدگاه بر این باور است که غرض و غایت اصلی داستان اظهار قدرت خدا بر زنده ساختن مردگان و اندیشیدن و عبرت گرفتن از صنع خدا و قدرت اوست (همو، مناہج، ۲۸۴/۲-۲۸۶).

۴. ۶. ۲. نقد روش تفسیری قرآن به قرآن

رویکرد تفسیر قرآن به قرآن یکی از پرطرفدارترین و در واقع بدیع‌ترین روش‌های تفسیری است که جایگاه خود را در میان سنت تفسیری معاصر شیعه باز کرده است. شخصیت اصلی این مکتب در قرن حاضر علامه طباطبایی (۱۴۱۲ق) بود. ایشان تفسیر قرآن به قرآن را تنها روش مطلوب در تفسیر قرآن دانسته است (طباطبایی، قرآن در اسلام، ۶۹ و ۷۰)؛ ولی به اذعان خود علامه طباطبایی روش تفسیر قرآن به قرآن از دیرباز در میان اندیشمندانی همچون زمخشری و ابن تیمیه رواج داشته است (طباطبایی، ۸۷/۳-۸۶) و به گفته ایشان حتی زرکشی نیز در البرهان روش تفسیر قرآن به قرآن را بهترین روش تفسیری دانسته است (طباطبایی، شیعه در اسلام، ۴۶ و ۴۷). شاید نقطه عطف روش علامه طباطبایی در تفسیر قرآن به قرآن که او را از پیشینیان متمایز می‌کند، تأکیدش بر این نکته است که قرآن ظرفیت برطرف کردن همه ابهاماتش را به خودی خود دارد (طباطبایی، ۱۱/۱).

علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد: «حق آن است که طریق فهم قرآن کریم مسدود نیست و بیان الهی و ذکر حکیم خود راهنمای خود است. یعنی قرآن در تبیین

مقاصد خود نیازی به طریق دیگر ندارد. چگونه قابل تصور است کتابی که خداوند آن را هدایت و نور و بیانگر همه چیز معرفی فرموده، خود نیازمند راهنمای دیگر بوده و از روشنایی دیگری فروغ بگیرد و با وسیله‌ای دیگر تبیین شود» (طباطبایی، ۸۶/۳).

از نظر علامه استمداد از غیر قرآن در تفسیر، مشمول تفسیر به رأی است؛ چرا که نوشته‌اند: «تفسیر به رأی، سخن گفتن درباره قرآن بدون آگاهی و ضرب قرآن برخی را به برخی دیگر همه به یک معنا باز می‌گردند و آن مددجویی برای تفسیر قرآن از غیر قرآن است» (طباطبایی، ۸۳/۳).

ملکی میانجی بر این باور است که نور و تبیان بودن قرآن ما را برای فهم مراد خداوند، از معلمان واقعی قرآن بی نیاز نمی‌کند (همو، مناهج، ۱۷/۱-۱۸). مؤلف مناهج البیان علاوه بر این که در ذیل برخی آیات انتقاد خود را به تفسیر طباطبایی بیان کرده- است، پیش از آن در درجه نخست به نقد مبناي تفسیر قرآن به قرآن مبنی بر بی نیازی قرآن از غیر خود در بیان مقاصدش پرداخته است (نک: طباطبایی، ۱۱/۱).

یکی از مبانی تفسیری مهم ملکی میانجی که زمینه پاسخ‌گویی به اصل مبین بودن قرآن در روش تفسیری قرآن به قرآن را فراهم می‌کند، باور ایشان به ذومراتب بودن خطابات قرآن است. از نظر میانجی، قرآن کریم در دلالت خود ذومراتب است و دو ساحت متفاوت در آن قابل تفکیک است: خطاب عام و خطاب خاص. خطاب عام یا مرتبه دعوت عمومی، مرتبه نازل دلالت قرآن است و شامل آن دسته از معارف قرآن می‌شود که همگان با مراجعه مستقیم به قرآن می‌توانند دریافت کنند (ملکی میانجی، ۲۸).

خطاب خاص مربوط به مخاطبان ویژه قرآن است. معارف قرآن کریم در آموزه‌های خطاب عام - که برای عام و خاص قابل درک است - منحصر نیست و بالاتر از این مرتبه، واجد ساحات و مراتب دیگری است که فهم و حمل آنها مخصوص مخاطبان ویژه قرآن است. مخاطبان ویژه قرآن در درجه نخست رسول خدا(ص) و در وهله بعد اوصیای برحق او هستند که به تمامی عرصه‌ها و لایه‌های معارف قرآن، اعم از ظهور و بطون و تنزیل و تأویل اشراف کامل دارند (همان، ۳۳).

براساس این مبنا آیاتی که بر مبین و آشکار بودن قرآن تأکید می‌کنند، ناظر به مرحله خطاب عام قرآن است و از سوی دیگر آیات و روایاتی که قرآن را نیازمند به

مُعَلِّمٌ وَ مُبَيِّنٌ معرفتی می‌کنند و دارای بطون شمرده‌اند، ناظر به مرحله خطاب خاص قرآن است (نک: ملکی، مناهج، ۲۶۰/۲۹-۲۶۴).

کاربرد روش تفسیر قرآن به قرآن از سوی طباطبایی دستاوردهایی را به همراه داشته است که با دستاوردهای مفسرانی که در کنار منبع قرآن از سنت نیز استفاده کرده‌اند، در مواردی متفاوت است.

گزارش چند نمونه از نقد ملکی به تفسیر المیزان از این قرار است:

در خصوص مفهوم عقل، تفسیر المیزان ذیل آیه «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (البقره، ۱۶۴) می‌گوید: «عقل نام آن چیزی است که انسان به وسیله آن صلاح و فساد، حق و باطل و صدق و کذب را تشخیص می‌دهد» (طباطبایی، ۱۲/۱)؛ اما از نظر ملکی عقل نوری الهی است که بر قلب و روح آدمی افاضه می‌شود. بسان چراغ در میانه خانه و انسان در پرتو آن خوب و بد، فریضه و سنت و حسن و قبح را تشخیص می‌دهد (ملکی میانجی، ۲۱).

نویسنده المیزان با توجه به تفسیر آیه «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اختلفوا فِيهِ» (البقره، ۲۱۳) بر این باور است که آیه بیانگر سبب تشریح اصل دین و مکلف ساختن نوع انسان است و در واقع دین برای رفع اختلافات و مشاجره‌های مردم در امور زندگی تشریح شده است (طباطبایی، ۱۱۵/۲).

نویسنده مناهج البیان بر آن است که آیه در مقام توضیح و تشریح جایگاه نبوت عامه در جوامع بشری است و این که برای تأمین سعادت انسان بعثت رسولان ضرورت دارد؛ از این روی تنها دلالت آن است که پیامبران و رسولان برای برانگیختن و هدایت فراموشکاران فطرت مبعوث شدند و شروع به تعلیم و تزکیه و تربیت ایشان نمودند (همو، مناهج، ۱۷۳/۲-۱۷۵).

درباره مفهوم تذکر نویسنده المیزان نوشته‌اند: «تذکر انتقال از نتیجه به مقدمات و از مقدمات به نتایج است و تحصیل حکمت متوقف بر تذکر و تذکر، متوقف بر عقل است. پس کسی که عقل ندارد، حکمت نخواهد داشت» (طباطبایی، ۳۹۶/۲).

نویسنده مناهج البيان در این زمینه نوشته‌اند: «ذکر مقابل نسیان و غفلت است و تذکر بازیابی (وجدان) شیئی منسی و مغفول و شناخت آن پس از فراموشی و غفلت است؛ بنابراین تذکر انتقال مستقیم به شیئی فراموش شده و مغفول است. گفتار المیزان مفهومی ندارد؛ زیرا بر این پایه استوار است که علم به حقائق با اقامه برهان‌ها و تنظیم قیاس‌ها صورت می‌گیرد؛ در حالی که شالوده قرآن در غالب آموزه‌های خود بر تذکر آنچه خداوند از نور عقل و فروغ فطرت در وجود انسان نهاده، استوار است (همو، مناهج، ۶۷/۳ و ۶۸).

مواردی که آمد، تنها نمونه‌ای از نقدهای مناهج البيان بر دو تفسیر المنار و المیزان بود؛ ولی نکته مهم آن است که میانجی با تلاش برای نقد این دو دیدگاه تفسیری مهم-ترین زمینه را برای متمایز ساختن مکتب تفسیری حوزه خراسان فراهم کرد.

۵. استقلال در نظام معرفتی، نقطه مشترک مکتب تفسیری حوزه خراسان و علامه

گرچه در ظاهر روش تفسیری مکتب تفکیک با روش تفسیری علامه هم راستا به نظر نمی‌رسد و به علت توجه ویژه تفکیکیان به نقش احادیث در تفسیر قرآن و نیز تأکید علامه بر کفایت قرآن برای تفسیر خویش جمع این دو مکتب تا حدی مشکل به نظر رسد؛ اما در واقع این دو مکتب نشأت گرفته از یک بنیان مشترک در تفسیر به شمار می‌روند.

در روش تفسیر قرآن به قرآن ادعاست در کلام الهی یک نظام معرفت‌شناسی خاص وجود دارد که با کشف آن می‌توان به فهم و تفسیر کلام الهی رسید و این دقیقاً شبیه ادعای تفکیکیان است که برای نظام وحی یک ساز و کار مستقل معرفتی به نام «نظام حکمت قرآنی» (حکیمی، ۳۹) در نظر می‌گیرند و از این حالت تعبیر به خودکفایی معرفت دینی می‌کنند و ابزار دستیابی به آن را عقل خودبنیاد دینی می‌دانند (همو، ۴۷).

سببی که باعث شده است، تفکیکیان مهم‌ترین منتقدان روش تفسیری قرآن به قرآن باشند یا از آن دوری جویند (نک: سیدان)، نقش کم رنگ اهل بیت(ع) و سنت در تفسیر قرآن به قرآن است. شاید بتوان گفت که تفکیکیان از روش تفسیر قرآن به قرآن

بوی نظریه خودبسندهی قرآن را که سابقه آن به دوره خلفا باز می‌گردد، استشمام کرده‌اند (نک: پاکتچی، ۶۸۷)؛ اما فی الواقع تفسیر قرآن به قرآن را نمی‌توان هم‌ارز با خودبسندهی قرآن دانست؛ چرا که علامه در مرحله عمل بدون انکار کاربرد اخبار و ادله عقلی در تفسیر، قرآن را به عنوان نخستین منبع تفسیر می‌شناسد (نک: همان، ۷۳۴). در مکتب تفسیری حوزه خراسان و مکتب تفسیری علامه مهم‌ترین عنصر مشترک بنیادی به رسمیت شناختن یک نظام مستقل معرفتی برای درک مفاهیم وحیانی است. نظامی که در مکتب علامه طباطبایی محدود به قرآن است، اما به اعتقاد تفکیکان این نظام باید در چارچوب کتاب و سنت با هم تعریف شود (نک: عیسی نژاد).

حکیمی علاوه بر استقلال در نظام معرفتی بر این باور است که علامه طباطبایی نیز اذعان داشت که جمع میان سه راه معرفتی فلسفه، قرآن و عرفان دشوار است. ایشان در کتاب مکتب تفکیک پس از استشهاد به کلامی از علامه طباطبایی (طباطبایی، ۲۸۲/۵-۲۸۳) تأکید می‌کنند که حاصل این کلمات، اشاره به همان چیزی است که اصحاب مکتب تفکیک خراسان می‌گویند و خلاصه آن دو جمله است: «سه راه معارفی و شناختی وجود دارد و آن سه راه قابل انطباق بر هم نیست» (حکیمی، ۱۷۶).

نتایج

شواهد و قرائن ارائه شده در این مقاله نشان داد که صاحب تفسیر مناہج البیان با الهام از آموزه‌های میرزا مهدی اصفهانی تلاش کرده است، مکتب تفسیری مدرسه معارف خراسان را پایه‌گذاری کند.

گرچه این مکتب یکی از نقادان روش تفسیری قرآن به قرآن است، ولی مکتب تفسیری حوزه خراسان و روش تفسیری علامه هردو نشأت گرفته از یک عنصر بنیادین مشترک به نام «استقلال در نظام معرفتی» اند.

کتاب‌شناسی

احتشامی‌نیا، محسن، اسماء و صفات الهی در تفسیر مناہج البیان، سفینه، ش ۱، ۱۳۸۲ ش
اصفهانی، میرزا مهدی، ابواب الهدی، به کوشش حسین مفید، تهران، منیر، ۱۳۸۷ ش

ایازی، سیدمحمدعلی، نگاهی به تفسیر مناهج البیان و مؤلف گرانقدر آن، بینات، ش ۱۸، ۱۳۷۷ش
بیابانی اسکوئی، محمد، پیوست های ترجمه کتاب توحید الامامیة، تهران، مؤسسه نبأ، ۱۳۷۸ش
پاکتچی، احمد، تفسیر(دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۵)، تهران، انتشارات دائرة المعارف بزرگ
اسلامی، ۱۳۸۷ش

حجتی نیا، غلامحسین، کتاب شناسی مکتب تفکیک، اندیشه حوزه، ش ۳، ۱۳۷۸ش
حکیمی، محمدرضا، عقل خودبنیاد دینی(چاپ شده در مجموعه کتابی با عنوان نگاهی به مکتب
تفکیک)، به کوشش سید باقر میرعبداللهی و علی پورمحمدی، تهران، انتشارات همشهری،
۱۳۸۴ش

همو، مکتب تفکیک، قم، دلیل ما، ۱۳۸۲ش
خدایاری، علی نقی، قرآن شناسی و قرآن شناسان: مروری بر زندگی و روش تفسیری آیت الله
ملکی میانجی، گلستان قرآن، ش ۱۲۷، ۱۳۸۱ش
همو، نقد و بررسی مبانی و روش تفسیری مناهج البیان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم،
۱۳۷۹ش

دینانی، غلامحسین، رؤیای خلوص(چاپ شده در مجموعه کتابی با عنوان نگاهی به مکتب
تفکیک)، به کوشش سید باقر میرعبداللهی و علی پورمحمدی، تهران، انتشارات همشهری،
۱۳۸۴ش

رضا، محمدرشید، المنار، القاهرة، مکتبة القاهرة، بی تا
سیدان، سید جعفر، گفتگو با استاد سیدجعفر سیدان درباره تفسیر المیزان، پژوهش های قرآنی، ش
۹ و ۱۰، ۱۳۷۷ش

همو، مکتب تفکیک یا روش فقهای امامیه در گفتگو با جعفر سیدان، اندیشه حوزه، ش ۳، ۱۳۷۸ش
سلیم گندمی، حمید، علوم قرآنی در تفسیر مناهج البیان، سفینه، ش ۱، ۱۳۸۲ش
شریعتمداری، محمدتقی، بررسی چند دیدگاه در باب صفات خدا، سفینه، ش ۸، ۱۳۸۴ش
همو، تقریرات شرح المنظومة للاستاذ العلامة الشهيد المطهری مع تعليقات عليه، قم، کتاب طه،
۱۳۸۳ش

همو، سورة الحمد و تسمى فاتحة الكتاب، تهران، منیر، ۱۳۸۵ش
عیسی نژاد، سید محمد، تقارن و تغایر نظریة تفسیری علامه طباطبایی و مکتب تفکیک، گلستان
قرآن، ش ۱۹۲، ۱۳۸۳ش

غروی نایینی، نهلا، شفاعت در تفسیر مناہج البیان، سفینه، ش ۱، ۱۳۸۲ ش
قربانی زرین، باقر، نگاهی کلی به تفسیر مناہج البیان، سفینه، ش ۱، ۱۳۸۲ ش
قهرمانی، افضل، زندگینامه آیه الله ملکی میانجی، سفینه، ش ۱، ۱۳۸۲ ش
طباطبایی، محمدحسین، شیعه در اسلام، قم، بنیاد علمی فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۰ ش
همو، محمدحسین، قرآن در اسلام، قم، مرکز بررسی‌های اسلامی با همکاری انتشارات هجرت،
۱۳۶۰ ش

طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۹۰ ق
مروارید، حسنعلی، تبیہات حول المبدأ و المعاد، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی،
۱۴۱۸ ق

مسعودی، محمد مهدی، نقدگونه ای بر مکتب تفکیک در زمینه تفسیر قرآن، مشکاة، ش ۹۸،
۱۳۸۷ ش

معارف، مجید، رویکرد کلامی در تفسیر مناہج البیان، سفینه، ش ۱، ۱۳۸۲ ش
مفید، حسین، مقدمه ابواب الہدی، تهران، منیر، ۱۳۸۷ ش
ملکی، علی، مقدمه توحید الإمامیة، تهران، سازمان انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،
۱۳۷۳ ش

همو، نقد عیار، کیهان اندیشه، ش ۴۹، ۱۳۷۲ ش
ملکی میانجی، محمدباقر، توحید الإمامیة، تنظیم محمدبیابانی اسکویی و اهتمام علی ملکی میانجی،
تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳ ش
همو، مناہج البیان فی تفسیر القرآن، تنظیم محمد بیابانی اسکویی و به اهتمام علی ملکی میانجی،
تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۴-۱۴۱۸ ش
همو، نگاهی به علوم قرآنی، ترجمه علی‌نقی خدایاری و به اهتمام علی ملکی میانجی، قم، نشر
خرم، ۱۳۷۷ ش

موسوی، سیدمحمد، آئین و اندیشه: بررسی مبانی و دیدگاه‌های مکتب تفکیک، تهران، حکمت،
۱۳۸۲ ش

مهدوی راد، محمدعلی، پژوهش‌های حدیثی مسلمانان (ذیل مدخل حدیث دانشنامه جهان اسلام،
ج ۱۲)، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۸۷ ش

نصیری، مهدی، فلسفه از منظر قرآن و عترت، تهران، کتاب صبح، ۱۳۸۶ ش